

تجلیل از 8 مارچ، بزرگداشتی است از مبارزات انقلابی و مترقی زنان زحمتکش جهان علیه امپریالیسم و ارتجاع فئودال کمپرادوری

در تاریخ معاصر جهان هشتم ماه مارچ مصادف است با روزی که زنان زحمتکش علیه استثمار و ستم نظام سرمایه داری بپاخواستند. زنان کارگر کارخانجات نساجی در شهر نیویورک روز هشت مارچ سال (1875) میلادی در اعتراض به سطح پائین دستمزد و شرایط کار طاقت فرسا تظاهرات کردند. لیکن این حرکت اعتراضی حق طلبانه زنان کارگر و پافشاری آنها بر روی خواسته‌های برحق شان به درگیری با پولیس انجامیده و اجتماع زنان کارگر مورد حملات وحشیانه پولیس قرار گرفته و سرکوب گردید، تعدادی از زنان تظاهرکننده توسط پولیس مجروح شده و تعدادی هم دستگیر و زندانی شدند. بار دیگر در سال (1907) زنان کارگر صنایع نساجی امریکا با خواست تقلیل ساعات کار روزانه دست به تظاهرات زدند که این بار هم توسط پولیس مورد حملات سبعانه قرار گرفته و تعداد زیادی از زنان توسط پولیس بازداشت و زندانی شدند. از اینرو "8 مارچ" به منظور بزرگداشت از مبارزات حق طلبانه زنان کارگر علیه طبقات استثمارگر و ستمگرا از جانب میلیون ها تن از خلقهای زحمتکش و هزاران تن از نیروهای انقلابی و مترقی در سراسر جهان تجلیل می گردد.

جایگاه زن در جوامع مختلف و انواع و اشکال تبعیض و ستمی که بر آن روا داشته می شود: زنان منحیث نیمی از پیکره جوامع بشری در سراسر جهان به نسبت‌های مختلف در همه عرصه های حیات اجتماعی از حقوق و موقعیت برابر با مردان محروم بوده و از ستم مردسالارانه رنج می کشند. در امریکا زنان تا سال 1920 حق رأی برابر با مردان را نداشتند و در کشورهای اروپائی در انگلستان در سال (1918)، در فرانسه در سال (1944) در ایتالیا در سال (1945) و بعد از آن در کشورهای دیگر اروپائی زنان حق رأی برابر با مردان را بدست آوردند. در کشورهای سرمایه داری امپریالیستی با آنکه به لحاظ قانونی تساوی حقوق زن و مرد به رسمیت شناخته شده است؛ لیکن در عمل زنان هنوز از حقوق و جایگاه برابر با مردان برخوردار نیستند. گرچه درین کشورها زنان تا حد زیادی به حقوق اجتماعی و مدنی شان دست یافته اند؛ لیکن در برخی عرصه ها به زن منحیث کالای تجارتي نگریسته شده و حیثیت و شخصیت زن به شدت مورد اهانت قرار می گیرد و رسمیت بخشیدن به تن فروشی زنان، غیر انسانی ترین و وحشیانه ترین ستم و اهانتی است که بر زنان اعمال می شود. سالانه ده ها هزار تن زن از کشورهای مختلف جهان عمدتاً از کشورهای جنوب شرق آسیا توسط باندهای معامله گریه شرافت زنان به ذرایع و نیرنگهای مختلف به منظور بردگی جنسی و تن فروشی اجباری به کشورهای اروپائی و امریکا قاچاق شده و این باندها سود بزرگی از این ناحیه بدست می آورند. این یکی دیگر از پلیدیهای نظام سرمایه داری است که تعدادی خردباخته و تا مغز استخوان ارتجاعی، سرمایه داری را نظام ایده آل برای بشریت تبلیغ می کنند. بهره کشی از نیروی کار زنان توسط سرمایه های امپریالیستی و سرمایه های کمپرادور- بوروکرات در کشورهای تحت سلطه امپریالیسم در آسیا، افریقا و امریکای لاتین به شکل نهایت ظالمانه صورت می گیرد. و زنان با کار برابر با مردان دستمزد کاملاً نابرابر دریافت می کنند. وضعیت زنان در اکثریت کشورهای تحت سلطه در همه عرصه های حیات اجتماعی بسیار اسف انگیز است. زنان بیش از مردان از ستم چند لایه ؛ ستم طبقاتی، ستم ملی امپریالیستی، ستم ملی شئونیستی، ستم مردسالارانه و تبعیض و تحقیر جنسیتی (که بیش از همه در احکام و دستاویز ادیان و مذاهب مختلف متباز است) رنج می کشند. درین کشورها زنان بیش از مردان از فقر غذائی، بیسوادی و بی تعلیمی، ابتلا به امراض گوناگون جسمی و روانی و محرومیت از حقوق انسانی رنج می برند. زنان از حقوق اجتماعی و مدنی و حق انتخاب همسر محروم

بوده و دختران قربانی ازدواج‌های تحمیلی، ازدواج در سنین کودکی و نوجوانی، تحمل شرایط زندگی چند زنی شوهران و خرافه‌های مذهبی و اجتماعی هستند.

وحشیانه‌ترین و ننگین‌ترین ستم و اهانت بر زنان در شرایط جنگ‌های ارتجاعی و غارتگرانه از جانب ارتش‌های قدرتهای امپریالیستی و استعماری و دولتها و گروه‌های ارتجاعی مزدورانها صورت گرفته‌می‌گیرد. در این نوع جنگ‌ها بعد از کشتار و قتلعام مردم بیگناه، زنان اولین هدف شوم این نیروهای وحشی و غارتگر بوده و هزاران تن از زنان مورد اجحاف و تجاوز قرار می‌گیرند. این عمل یکی از ننگین‌ترین، شنیع‌ترین و ضدانسانی‌ترین اجحاف و جنایتی است که در طول تاریخ جوامع طبقاتی علیه زنان صورت گرفته‌می‌گیرد. ارتش دولت امپریالیستی و فاشیست جاپان در حمله به چین در سال 1937 بیش از (300) هزار تن را در شهر "نانجینگ" قتل عام کرده و بیست هزار تن زن را مورد تجاوز قرار داده و چندین هزار تن آنها را منحصراً برده جنسی با خود بردند. همچنین در جریان جنگ جهانی دوم، (200) هزار تن زنان از کشورهای کوریا، چین، اندونزی، فلپین و تایوان مجبور به روسپی‌گری در سربازخانه‌های ارتش جاپان شدند. به همین صورت ارتش‌های قدرتهای امپریالیستی دیگر هزاران زن را مورد اجحاف و تجاوز قرار داده و آنها را به بردگی جنسی گرفتند. از تجاوزات جنسی عساکر وحشی امریکابرزنان بعد از جنگ جهانی امپریالیستی دوم داستانهای نفرت‌انگیزی وجود دارد. با اشغال نظامی کوریا توسط امریکا در سال 1945 که تا سال 1953 ادامه یافت آمار فاحشگی در کوریا جنوبی به (350) هزار تن رسید. طی حضور شصت‌ساله ارتش امریکا در کوریا جنوبی صدها هزار زن به بردگی جنسی کشیده شده‌اند. در نقاط مختلف جهان در کنار هر پایگاه نظامی امریکا مراکز روسپی‌گری ایجاد شده و هزاران زن به بردگی جنسی گرفته شده‌اند. اسنادی حکایت از این دارد که از اواسط دهه (90) میلادی آمار زنانی که از کشورهای امپریالیسم فدراسیون روسیه، ازبکستان، قزاقستان و فلپین به فاحشه‌گری در خدمت سربازان امریکائی قرار گرفته‌اند افزایش چشمگیری داشته و به تعداد پنج هزار زن از این کشورها قاچاق شده و به بردگی جنسی برای ارتش امریکا درآمده‌اند. در جریان دو سال اخیر در کشورهای عراق و سوریه گروه‌های ارتجاعی اسلامی وحشی و جنایتکار "داعش"، "جبهه النصره"، "احرار شام" و دیگر گروه‌های اسلامی همسرخ آنها علاوه بر کشتار و قتل عام ده‌ها هزار تن از مردم بیگناه، هزاران تن از زنان پیرو مذهب شیعه (در سوریه) و زنان ایزدی (در عراق) را مورد تجاوز جنسی قرار داده و با آنها را منحصراً "کنیز" در بازارهای مناطق تحت کنترل شان در سوریه و عراق به فروش رساندند. همچنین گروه اسلامی "بوکو حرام" در نایجیریه صدها تن از دختران و زنان مسیحی را ربوده و آنها را به بردگی جنسی کشیده‌اند. این جنایتکاران وحشی و مزدوران استعمار و امپریالیسم برای این جنایات سخیف و ضدانسانی شان "توجیهات شرعی" ارایه می‌کنند. عمل جنایتکارانه و ضدانسانی دیگر این گروه‌های اسلامی وحشی رواج طریقه‌ای جدیدی از بهره‌گیری جنسی از دختران و زنان را بنام "جهاد نکاح" ابداع کرده و درباره‌ای آن در سطح گسترده‌ای تبلیغ می‌کنند. طی دو سال اخیر صدها تن از دختران جوان مسلمان از کشورهای اروپائی و امریکا و دیگر کشورهای سرمایه‌داری بوسیله‌ای تبلیغات آنها اغوا شده و راهی کشورهای سوریه و عراق شدند و خود را در معرض بهره‌برداری جنسی این گروه‌های وحشی و جنایتکار قرار داده و این عمل را «جهاد در راه خدا» و وسیله‌ای رفتن به «بهشت» می‌نامند.

در افغانستان طی چهاردهم اخیر، بعد از کودتای فاجعه‌بار "7 ثور" سال (1357) و تهاجم نظامی سوسیال امپریالیسم «شوروی» و آغاز جنگ‌های آزادی خواهانه مردم علیه آنها و بعد تشکیل دولت اسلامی گروه‌های جهادی و اشتعال جنگ‌های جنایتکارانه بین آنها و همچنین در شرایط جنگ ویران‌گرانه بین دولت اسلامی و گروه‌های طالبان و القاعده، هزاران تن از زنان مورد اجحاف و تجاوز و انواع ستم قرار گرفته و با توسط این باندهای وحشی اختطاف شده و با جبر و اداریه «ازدواج» شده‌اند. رژیم جنایتکار و مزدور «خلق» پرچمیها و سوسیال فاشیستهای روسی تعداد زیادی از زنان منجمله زنان زندانی

را مورد تجاوزجنسی وشکنجه های غیرانسانی قراردادده اند. بهمین صورت ده ها باند ملیشه ای مزدور آنها در ولایات مختلف کشوردهها تن ازدختران را اختطاف کرده ومورد تجاوز قراردادده اند. همچنین باندهای لومین واوباش تحت رهبری گروه های جهادی؛ جمعیت اسلامی، حزب اسلامی، حزب وحدت اسلامی، اتحاد اسلامی ودیگرگروه های همقماش آنها در شرایط جنگ مردم علیه دولت دست نشانده واشغالگران روسی دردهات تحت کنترول شان ودر شرایط حاکمیت دولت اسلامی درمواردزیادی زنان رادرشهرهای مختلف کشورخاصتاًدرشهرکابل موردتجاوزواجحاف قراردادده ویابا زوروجبر آنهاراتصاحب کرده اند. همچنین شلاق زدن، اعدام وسنگسارزنان به جرمهای واهی دردوران رژیم قرون وسطائی طالبان ودیگرستم ومظالم برزنان ازجانب آنها هنوزخاطره مردم مظلوم افغانستان را می آزارد. ونیزدرپانزده سال اخیرکه افغانستان به اشغال نظامی وتحت سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی وناتوقراردارد؛ شنیع ترین اجحافات وجنایات ازجانب ارتشهای اشغالگروارتش دولت دست نشانده آنها وگروه های لومین واوباش مرتبط به احزاب جهادی، ملیشه ای وباندهای خلقی پرچمی وگروه های طالبان وگلب الدین وحقانی علیه زنان انجام داده ومی دهند. نمایش ویدیوکلیپهای ازصحنه های هولناک ووحشیانه گروه های طالبان وحقانی وداعش علیه زنان مبنی برسنگساروشلاق (دره) زدن واعدام زنان درمناطق تحت کنترول آنها ازطریق رسانه های مختلف؛ ماهیت ایدئولوژیکی وخصلت سبعانه وغیرانسانی این گروه های جنایتکارومزدوررابنمایش می گذارد. پانزده سال است که قدرتهای اشغالگرو دولت مزدورونهادهای وابسته وجیره خوار آنها بنام «جامعه مدنی» که تعداد آنها به بیش ازسه هزارمی رسد و« روشنفکران» خود فروخته وجیره خوار امپریالیسم واستعماراز طریق صدها جریده وروزنامه وده ها تلویزیون ورادیوی دولتی و«غیردولتی» تبلیغات گمراه کننده مبنی بر«آزادی» زنان و«تأمین حقوق» آنها به راه انداخته اند. درحالیکه پذیرش وبیان این مطلب درافغانستان تحت سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی وناتوودر سایه ای قانون اساسی قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی متشکل ازگروه های جنایتکارورهنزن وضد آزادی وحقوق زن که طی چهاردهه شنیعترین جنایات ووحشیانه ترین ستمهارا برزنان اعمال کرده ومی کنند، نه تنها یک مضحکه که خرد باختگی وسفاهت است. درحالیکه زنان تحت حاکمیت رژیم دست نشانده وشدیداً زن ستیزاز ابتدائی ترین حقوق انسانی شان محروم ساخته شده وروزانه ده ها مورد ازتجاوزواجحاف وانواع ستم وحشیانه علیه زنان وکلاً خلق مظلوم افغانستان گزارش داده می شوند. ولی دولت دست نشانده استعماروامپریالیسم ودیگرجیره خواران آنها بیشرمانه درروزهشت مارچ محافل نمایشی بنام «روززن» تشکیل کرده ودرباره «آزادی وحقوق» زنان وراجی ویاهه گوئی کرده وبه این صورت زنان نا آگاه را اغوا می نمایند.

گروه های فمینیستی ورفورمیستی ودیگر احزاب وسازمانهای ارتجاعی رنگارنگ درکشورهای مختلف جهان خاصتاً درکشورهای تحت سلطه امپریالیسم درهمدستی با طبقات حاکم ارتجاعی (دولتها) با شیادی سعی می کنند تا زنان طبقات زحمتکش را گمراه کرده وبه آنهاچنین القاء می کنند که گویا می توانند ازطریق مبارزه "قانونی" وطرح مطالبات شان دربرابردولتها به حقوق وخواستههای شان دستیابند. درکشورهای اسلامی احزاب وگروه های ارتجاعی اسلامی شیادانه زنان ناآگاه را با این ترفندها اغوا می کنند که گویا "دین اسلام" همه حقوق آنها را درنظرگرفته وتضمین کرده است! درحالیکه خلاف این ادعاها دراکثرکشورهای اسلامی ازجمله افغانستان، ایران وعربستان که قانون اساسی ودیگر قوانین آنها برمبنای احکام ودرساتیرشریعت اسلام تدوین شده اند ودرحق میراث، زن نصف سهم فرزند مرد را مستحق شده ودروقت شهادت درمحاکم "عدلی وقضائی" شخصیت زن نصف شخصیت مرد درنظرگرفته شده ودرقانون "دیه"(خون بها) زن نصف خون بهای مردتعیین شده است ودربسا موارد دیگر این گونه تبعیض های ظالمانه وغیرانسانی علیه زنان رسمیت دارد. وبه همین صورت گروه های ارتجاعی

اسلامی طالب وحقانی وکلب الدین والقاعده وداعش، بوکوحرام ودیگرگروه های همسخ آنها برهمین مینا به جایگاه وحقوق زن می نگرند وزنان درافغانستان، عراق ، سوریه، سومالی، لیبی ویمن همه روزه انواع ستم واجحاف وتجاوزازجانب این گروه ها را با پوست وگوشت شان لمس واحساس می کنند. وزنان درکشورهای مختلف جهان خاصاً درکشورهای تحت سلطه امپریالیسم ازکمترین امنیت ومصئونیت جنسی برخوردارنیستند وزمانی مورد تعرض وتجاوزقرارمی گیرند، اکثراً دیده شده که دستگاه قضائی دراین کشورها حد اکثربه جانبداری ازمردان حکم وفیصله صادرمی کنند. درافغانستان صدهاتن از زنان ودختران به «جرم» تن ندادن به ازدواجهای اجباری ویانگیزازشدت ستم وخشونت‌های خانوادگی غیرقابل تحمل"مجرم" شناخته شده ودرزندانها بسر می برند. اینها گوشه ای ازموقعیت ووضعیّت زن درجوامع مختلف است که طبقات حاکم ارتجاعی زن ستیزدرآنها همه ساله روز" 8 مارچ" رابنام «روززن» برگزارکرده وسی می نمایند تا با نیرنگ وشیادی به شیوه ها واشکال مختلف، وضعیّت بردگی وستم چند لایه وتبعیض برزنان را استتارکرده وبالفاظی وبیهوده گوئی وترفندهای گوناگون زنان ناآگاه رااغوا کنند. واین وظیفه تمام گروه ها، تشکلها واشخاص انقلابی ومترقی درسراسرجهان است تابا تقدیرازمبارزات انقلابی ومترقی زنان جهان،جایگاه فروترزن درجوامع طبقاتی مختلف وانواع ستم وتبعیضی که برآن رواداشته می شودرابگونه همه جانبه برملاکرده ودرکارزارمبارزه طبقاتی انقلابی هرچه بیشتردرجهت آگاهی دادن به زنان مبارزه کنند. ویگانه راه نجات زنان (منحیث نیمی ازپیکره جوامع بشری) اینست که باید بیدارشوند، باین معنا که به آگاهی واقعاً انقلابی ومترقی دستیابند تا فریب زنان ومردان "انقلابی نما" و"روشنفکرنما" را نخورده وبه این مسئله مهم آگاهی حاصل کنند که: ستم مرد سالارانه وتبعیض جنسیتی ومحرومیّت آنها ازحقوق برابر با مردان منشادرنظامهای طبقاتی دارد ومحوانواع ستم واستثماربرزنان ومردان طبقات خلق زحمتکش باسرنگونی حاکمیت طبقات ارتجاعی فئودال وکمپرادوروبوروکرات وقطع سلطه امپریالیسم میسر می گردد. واین مامول ازطریق مبارزه انقلابی ومترقی زنان ومردان طبقات خلق زحمتکش تحت رهبری یک حزب واقعاً انقلابی پرولتاری تحقّق یافتنی است.

8 مارچ 2016

(ویب سایت " پیام آزادی ")